

توضیح: این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر تبریز نوشته شده است. مؤلف آن شیخ محمد باقر است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

فان ریاضی ملک از سخنانی واجدانی بخاری دای گفته
است اشک جیب الاوقاج اما اشک جیب الاخوان و فی کطایح
تغییرات یکجا بود که آن طعام جیب نشسته است مگر بپسند اجنبی ای بخاری
گفته است روزی پیش وی نشستی بود گفتن طشت را برآورد که بر آنجا نوشتم
که امرالمؤمنین هارون او شمسیدم به شخص کردند همان روزی مرده بود
از سادات نساء شاه یوزده است و استوار راه شامه است
اجدن ای بخاری گفته است که راهی گفت که حکیمه در مشقه در آمدم و بی حرف
فان بیواند گفتنی راهی شنیده اگر شوهر تو یعنی اجنبی ای بخاری سر زود
دیگر بخواد گفتم ری گفت و بی حرف سینه بان عطفه که دارد که در خود را بدوزن
از خدای تعالی مشغول گرداند مگر بنور سیده است نصیران آیه که الا من اذله
یقلب سلیم گفتن گفت نصیران آیت آنت که بخاری می و فی کدر در پیش
چیز باشد عمل زوی راهی کوید که از پیش وی بیرون آمدم و از آن آن سخنان نام
میرفتم و از هر یک که در آن راه پیش می آمدند شرم می داشتم که آن بزرگ منم
از همان آنجا که اندک بود بوده است سفیان نوری برایت و
میرفته و بعضی گفته اند که وین بزرگی خواست سفیان گفته است که و بی روی
در آمدم در خانه وی و غیر از یکباره خصم گفته هیچ ندیدم گفتم آن راهی به ایران
گفتم تو نوشته شود رعایت حال تو می کند دوی گفتی سفیان رجوع به این

توضیح: این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر تبریز نوشته شده است. مؤلف آن شیخ محمد باقر است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

پیش ازین عزیز و زریح تر بودی که اکنون بشدی مزخ بر دنیا را سوا می کند
کسی که مال آفت و قادر است بر آن و مستصحب است چون سوال کن از کسی فادک
نفت بران ای سفیان والله که من دوست نیارم که بر من و بی کدر که در آن وقت آ
خدای تعالی بغیر وی مشغول باشم سفیان از آن سخن بگفت و **طایفه و بیست و هفت**
از قضا آنجا اسان بوده و از کبار عارفان ابوبیسطای مدبر الله تعالی بر وی
شاک گفته است و ذوالنون مصری زوی سوال کرده در مکه مجاور بوده و که هر چه
ببیند المقدس می رفت و آن یکم مراجعت میکرد و در راه مکه در سه روز سخن
و مابین بر فیه از دنیا روی برای ذوالنون چیزی فرستاد قبول نکرد و گفت در
قبول نکردن چیزی از انسان ملک است و نضان فاطمه گفت در دنیا هیچ صوفی
بپزیران و زریح که از آن نیست که سبب در میان نه پس با بوی دیده گفته است که در
یک مرتبه و یک زن دیده ام آن زن فاطمه نبشای لوری بود و از هر مقام وی سخن
که آن خبر و ایمان بنویس که آن مشایخ ذوالنون را بر سید که از زریح دیدی از نیاطه
گفت زنی بود در مکه که وی را فاطمه نبشای لوری می گفتند در معانی قرآن سخنان
و گفت که مرا عجبی آمد و گفتی من لریکن الله منه عله باله فانه یخفی عن کل سید
وینکلم بکل لسان و مکران الله علیه بالجرسه الاعلی الصدق و از به
ایجاد منه و الاخلاص و عنوی گفته الصادق و اللیق البویته یخضرب علیه
بدعواریه دعای العزیز الیه الخلاص و الخفاء و هم و گفته من عمل الله علی الشا
میر

توضیح: این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر تبریز نوشته شده است. مؤلف آن شیخ محمد باقر است. این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.